

## ایالات متحده آمریکا تروریست اصلی جهان

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴/۰۱/۱۰/usa-glavnyj-mirovoj-terrorist-۲۵۰۹۷.html>

۲۹ جدی ۱۳۹۲

پدیده تروریسم همزاد تاریخ بشریت است، اما سازمانهای اطلاعاتی آمریکا آن را به یک تهدید جهانی تبدیل کردند. سالهای ۷۰، سالهایی را که سازمان سیا با هدف درگیر ساختن اتحاد شوروی به جنگ در افغانستان، سازماندهی «بریگادهای اسلامی» را آغاز کرد، می توان نقطه مبداء این خطر جهانی نامید. در سال ۱۹۹۸ بژزینسکی نوشت: «بر اساس اسناد رسمی، کمک سازمان سیا به مجاهدین از سال ۱۹۸۰، یعنی پس از ورود ارتش اتحاد شوروی در ۲۴ دسامبر سال ۱۹۷۹ به افغانستان شروع شد. اما واقعیت رازی که تاکنون فاش نشده است، بطرز کاملاً دیگری بنظر می آید. عملیات سازمان سیا در واقع از ۳ ژوئن سال ۱۹۷۹، بعد از صدور فرمان رئیس جمهور کارتر مبنی بر کمک مخفیانه به مخالفان رژیم طرفدار شوروی در کابل آغاز گردید. ما روسها را به تجاوز تحریک نکردیم، اما احتمال مداخله را عمداً تشدید کردیم».

در همین دوره هم آمریکائیهها اسامه بن لادن را بخدمت گرفتند. بگواهی شمس الدین یوسف، یکی از سران جدایی طلبان چچن، بن لادن در سال ۱۹۹۲ با پاسپورت آمریکائی به چینستان سفر کرد. شمس الدین اضافه می کند: «دولت آمریکا بعدها از او روی برگرداندند». آیا چنین رابطه کاری «تروریست شماره ۱» با خانواده رئیس جمهور سابق، جورج بوش بزرگ شگفت انگیز است؟

دولت آمریکا بمنظور جلب همه کشورهای مسلمان به جنگ علیه اتحاد شوروی از مجاهدین افغان پشتیبانی کرد. در سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ اتباع ۴۰ کشور مسلمان در عملیات جنگی در افغانستان شرکت کردند. در ماه مارس سال ۱۹۸۵ رونالد ریگان، رئیس جمهور وقت آمریکا فرمان امنیت ملی شماره ۱۶۶ را دایر بر گسترش کمک نظامی، از جمله تحویل سلاح به

مجاهدین افغان که مقدار آن در ۱۹۸۷ به ۶۵ هزار تن رسید، امضاء کرد. بموازات این، تحت حمایت آمریکا و با پول عربستان سعودی و پاکستان هزاران مکتب (مدرسه دینی) تأسیس گردید. بگفته عبدالمنامه سعید علی، کارمند مرکز مطالعات «الاهرام» (قاهره)، بن لادن و «اعراب افغان» دوره آموزشی ویژه «برنامه بسیار پیچیده تدوینی سازمان سیا» را گذراندند.

شبه نظامیان «القاعده» بمثابه «لژیون خارجی غرب» در جنگ یوگسلاوی هم شرکت کردند. در گزارش سال ۱۹۹۷ کمیته سنای حزب جمهوریخواه آمریکا، دولت کلینتون آشکارا در «تبدیل بوسنی به پایگاه نظامی اسلامی» متهم شده است. اسلامگرایان از کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی به صفوف «ارتش آزادیبخش کوزوو» پیوستند و بعنوان نیروهای تقویتی در عملیات ناتو در جنگ شرکت کردند. برنامه تسلیح و آموزش «ارتش آزادیبخش کوزوو» بوسیله اداره اطلاعات نظامی آمریکا و سازمان جاسوسی ام آی - ۶ انگلیس به اجرا در آمد. واشنگتن هم برای اولین بار شنائی دیپلماتیک ساختارهای تروریستی بین المللی را رسمیت بخشید. در عین حال، مادلن اولبرایت، وزیر خارجه وقت آمریکا «ارتش آزادیبخش کوزوو» را بعنوان طرف رسمی در مذاکرات رامبویه شرکت داد.

### حادثه ۱۱ سپتامبر دلیلی برای امتناع از حمایت از تروریسم نشد

جنگ اعلام شده آمریکا پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر علیه «تروریسم»، تنها به تقویت گروههای تروریستی بین المللی انجامید و عملاً آنها را در برخی کشورها به حاکمیت رساند. افغانستان، عراق، لیبی و سوریه قربانی جنگ آمریکا علیه «تروریسم» شدند. از جمله آنها در عراق، آمریکا گروههای سنی را ظاهراً برای جنگ با «القاعده» تسلیح می کند. افسران آمریکائی خسته از این «برنامه پل زدن» با سنی ها، تصریح می کنند، که بسیاری از آنها قبلاً با «شعبه بین النهرین القاعده» مرتبط بودند. تأمین مالی تروریستها در افغانستان، بعقیده بارزس ویژه بازسازی در افغانستان، ج. ساپکو، ۱۵۰ میلیون دلار هزینه به روی دست مالیات دهندگان آمریکائی گذاشت. روزنامه نگار مستقل، د. ویسینگ در کتاب «تأمین مالی دشمن: مالیات دهندگان آمریکایی چگونه از طالبان حمایت مالی می کنند»، می نویسد: «شرکتهای امنیتی با شورشیان افغانستان در باره حفاظت از پروژه های ساختمانی بطور منظم مذاکره می کنند. طرح ۶۴ میلیون دلاری کاملاً غیرعقلانی جاده هوست- گردیز از قراز معلوم ۱۷۶ میلیون دلار برای مالیات دهندگان آمریکائی هزینه خواهد داشت. بیش از ۴۳ میلیون دلار از آن را شرکت امنیتی فوراً برای استخدام مردی هزینه کرد که بر اساس لیست تنظیمی آمریکا از

رهبران شورشیان، باید دستگیر و یا کشته شود. آنها ماهانه ۱۶۰ هزار دلار برای حفاظت از ساخت و ساز خود در برابر خود به جهادیان پرداختند» (البته بسیاری از تحلیلگران نیز چنین تصور نادرستی دارند که گویا هزینه جنگها، مداخلات، جاسوسی های آمریکا و اختصاص بودجه های کلان به سازماندهی و توسعه تروریسم بین المللی بحساب مالیات دهندگان آمریکائی تأمین می گردد. در صورتی که واقعیت غیر از این است. همه این هزینه ها بحساب چاپ پول بی هیچ پشتوانه و به تبع آن، غارت ثروتهای ملی مردم جهان تأمین می گردد. مترجم).

با این حال، این یک نمونه خاص است. از همه جالبتر این است، که دولت آمریکا برای بقدرت رساندن تروریستها به هر کاری دست می زند.

در کتاب «اسلام و بیداری اعراب» نوشته فیلسوف و اسلام شناس مشهور طارق رمضان، اسناد و مدارک مربوط به «آموزش حرفه ای» جوانان عرب در مؤسسات آموزشی ویژه، که بودجه آنها توسط وزارت خزانه داری آمریکا تأمین می شود، ارائه شده است. چنین مؤسسات آموزشی حتی در سال ۲۰۰۷ در قفقاز و صربستان نیز تأسیس گردیدند. عملاً تاکتیک کودتای ضد دولتی «فلش - موب» در همه کشورهای آشوب زده بکمک ارسال پیامها راجع برگزاری تظاهرات از طریق شبکه های اجتماعی، پست الکترونیکی و تلفنهای همراه تحت مدیریت فیسبوک، تویتر، هات میل، یاهو و جی میل که از آمریکا اداره می شوند، به کار بسته شد. در نتیجه آن، در تمام موارد اسلامگرایان افراطی به قدرت رسیدند. و امروز نزدیکترین متحد آمریکا در سوریه، سازمان مسلح «جبهه النصره» وابسته به القاعده است که رسماً از سوی دولت آمریکا بعنوان سازمان تروریستی شناخته می شود.

تعجب آور نیست، که این سیاست کاخ سفید با مخالفت آن دسته از نظامیان آمریکائی مواجه شد، که جنبش «اوباما! من به حمایت از شورشیان القاعده تو نخواهم جنگید» را در اینترنت سازمان دادند.

### جنگ تروریستی آمریکا علیه روسیه

من در تنظیم عنوان مقاله از کلمات کارمند سابق پلیس فدرال آمریکا، سایبیل ادمونز (Sybil Edmonds) استفاده کردم. آنها ابعاد جنگ تروریستی آمریکا علیه روسیه

را دقیقاً منعکس می سازند. بگواهی ابوبکر، مأمور سازمان سیا، او در سالهای ۶۰ مأموریت یافت به بررسی «مشکل چچن» بپردازد. اما بلافاصله پس از تجزیه اتحاد شوروی، مأموران القاعده، از جمله بن لادن، و مربیان آمریکایی، تحت پوشش «خادمان اسلام» بصورت گله ای به چینستان سرازیر گشتند.

آمریکائیهها همراه با شرکای پاکستانی، عربستانی و ترکیه ای خود، شبه نظامیان چچن را آموزش دادند. شامل باسایف و تعداد دیگری از فرماندهان گروههای چچنی دوره فشرده فراوری ایدئولوژیکی و جنگی را در استان خوست افغانستان، در اردوگاه آموزشی تأسیسی توسط سازمان سیا و سازمان جاسوسی بین المللی پاکستان در سالهای ۱۹۸۰ گذراندند. پس از آن، باسایف برای آموزش تاکتیکهای جنگ پارتیزانی به اردوگاه داور در پاکستان انتقال یافت. **تامرلان تسارنایف**، متهم عملیات تروریستی در بوستون، با پلیس فدرال آمریکا مرتبط بود و در نیمه اول سال ۲۰۱۲، در سمینار متشکله با پول سازمان سیا و تحت قیمومیت بنیاد جیمزتاون که با هدف بی ثبات سازی قفقاز شمالی در گرجستان برگزار گردید، شرکت کرد.

**در آمریکا صدها سازمان حامی تروریسم علیه روسیه فعالیت می کنند.** در انتخاب قفقاز شمالی بعنوان موضوع کمک خود به تروریسم، بر اساس اطلاعات وزارت کشور روسیه، بیش از ۶۰ سازمان افراطی جهانی، در حدود ۱۰۰ کمپانی خارجی و دهها گروه بانکی شرکت دارند. دفاتر کار اکثریت آنها در آمریکا و اروپا واقع است. تنها در آمریکا در حدود ۵۰ سازمان به جمع آوری کمک مالی به افراطیون قفقاز شمالی مشغول است. در اینجا فقط نام برخی از آنها را ذکر می کنم: انجمن وکلای مسلمان آمریکا، مرکز اسلامی آمریکا، شورای اسلامی آمریکا، بنیاد خیریه اسلامی «صدای چچن» (ثبت شده در وزارت امور خارجه آمریکا!)، کمکهای شهری اسلامی، بنیاد اسلامی «زکات» آمریکا، مرکز مساعدتهای اسلامی، جامعه چچن- اینگوش آمریکا، انجمن کمکهای بین المللی، کمکهای اسلامی جهانی.

باضافه اینها، محافل مخفی زیادی هم فعالیت می کنند. مثلاً، «کمکهای اسلامی آمریکا» بوسیله شیخ هشام محمد قبانی که در عین حال ریاست شورای عالی اسلامی آمریکا، متحد کننده ۱۵ میلیون مسلمان آمریکایی را بر عهده دارد، اداره می شود.

در سال ۱۹۹۹ زبگینیو بژزینسکی کمیته آمریکائی صلح برای قفقاز را تشکیل داد که در آن الکساندر هیگ، وزیر خارجه سابق آمریکا؛ جیمز ولسی، رئیس سابق سازمان سیا؛ ریچارد پرل،

مشاور پنتاگون؛ کنت آدلمان، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد؛ بریوس جکسون، معاون سابق کمپانی لاکهید مارتین؛ رئیس کمیته غیردولتی متنفذ آمریکائی پشتیبانی از ناتو؛ گاسپار واینبرگر، وزیر دفاع سابق آمریکا؛ روبرت مک فارلن، مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا در امور امنیت ملی، الیوت أبرامس، معاون مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا در امور امنیت ملی عضویت دارند. کمیته آمریکائی صلح برای قفقاز تحت قیمومیت «خانه آزادی» فعالیت می کند.

ابعاد بودجه های تخصیصی برای فعالیتهای تروریستی علیه روسیه واقعا بسیار بزرگ است. فقط کمک دفتر بنیاد اسلامی **فتح الله گوئن** ترکیه واقع در ایالت پنسیلوانیا به ۵۰ میلیارد دلار بالغ می شود. صدها مکتب و مسجد ساخته شده توسط این بنیاد در آسیای مرکزی و روسیه به مرکز تجمع افراطیون و پوششی برای مأموران سازمان سیا تبدیل شدند. در پشت حرفه سرگیجه آور گوئن در آمریکا، **گرم فولر و مارتون أبرامویتس**، عضو کمیته چچن، مهره بزرگ در سیاست سایه آمریکا و ناتو قرار دارند. **گرم فولر**، خاورشناس، سابقا شاغل در سازمان سیا، یکی از آن افرادی است که خط سیاست خارجی آمریکا را در رابطه با اسلام سیاسی تنظیم کرد. **فولر** تنها پس از حادثه تروریستی بوستون بعنوان پدر زن سابق روسلان تسارنایف و رئیس بنیاد اسلامی آمریکا که بودجه «القاعده قفقاز» را تأمین می کند، در روسیه شهرت یافت.

آنچه که به عملیات تروریستی ولگاگراد (استالین گراد) در آستانه سال ۲۰۱۴ مربوط می شود، این است که گفته می شود بواسطه «امارات» خودساخته «قفقاز شمالی روسیه» و **دوکو عمراف**، صاحب تارنمای «قفقاز سنتر» برنامه ریزی شده بود. یادآوری کنیم، که هزینه های مالی «قفقاز سنتر» را تا زمانی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ عمراف را به فهرست تروریستهای «القاعده» وارد کرد، توسط وزارت خارجه آمریکا تأمین می شد. نیویورک تایمز با استناد به مأموران جاسوسی آمریکا، انفجارات ولگاگراد را چنین تشریح کرد: «کارشناسان هشدار می دهند، که این حملات می توانند سرآغاز کارزار ترورهای پیروان دوکو عمراف، تروریست تحت تعقیب در روسیه باشد، که بر هم زدن المپیک را وعده کرده است».

**چرا ایالات متحده آمریکا به تروریستها نیاز دارد؟**

کاشت تروریسم بین المللی که موجب قربانی شدن انسانهای زیادی، حتی از میان اتباع آمریکایی گردید، در اولین نگاه بی معنی بنظر می رسد. اما همان زبگینیو بژزینسکی چنین تصور نمی کند. در پاسخ این سؤال، که آیا او از اینکه آمریکا بنیادگرائی اسلامی را تغذیه کرد و توسعه داد، متأسف نیست، در کمال خونسردی جواب می دهد: «کدامیک در تاریخ جهان مهم است؟ وجود طالبان یا نابودی امپراطوری شوروی؟ تعداد انگشت شماری مسلمان هیجان زده یا آزادی اروپای مرکزی و ختم جنگ سرد؟» به همین دلیل هم **نظرسنجی بنیاد گالوپ نشان می دهد که اغلب مردم آمریکا را بعنوان کشوری که صلح جهان را تهدید می کند، می شناسند.**

سؤال: بنظر شما امروز کدام کشور بزرگترین تهدید برای صلح جهان است؟

ایالات متحده آمریکا \*\*\*\*\* ۲۴ درصد

پاکستان \*\*\*\*\* ۸ درصد

چین \*\*\*\*\* ۶ درصد

افغانستان \*\*\*\*\* ۵ درصد

ایران \*\*\*\*\* ۵ درصد

اسرائیل \*\*\*\*\* ۵ درصد

کره جنوبی \*\*\*\*\* ۵ درصد

هند \*\*\*\*\* ۴ درصد

عراق \*\*\*\*\* ۴ درصد

ژاپن \*\*\*\*\* ۴ درصد

سوریه \*\*\*\*\* ۳ درصد

روسیه	** ۲ درصد
استرالیا	* ۱ درصد
آلمان	* ۱ درصد
اراضی فلسطین	* ۱ درصد
عربستان سعودی	* ۱ درصد
سومالی	* ۱ درصد
جره جنوبی	* ۱ درصد
انگلیس	* ۱ درصد

هزاران نفر «لژیون خارجی غرب» بعنوان تروریست شرایطی را فراهم می آورند تا آمریکا مهمترین وظایف ژئوپلیتیک، قبل از همه، وظیفه تضعیف روسیه و چین، بمثابه مخالفان اصلی آمریکا را بانجام رساند.

علاوه بر این، گسترش تروریسم تحت لوای اسلام موانع زیادی در راه اتحاد جهان اسلام ایجاد می کند. دنیای تکه تکه شده، آشوب زده و ویران شده عرب، دقیقا بسود اقتصاد آمریکاست. اتفاقی نبود، که «بهار عربی» بلافاصله پس از آنکه معمر قذافی برای انتشار دینار طلا تصمیم قطعی گرفت، فرارسید.

افسانه «جنگ علیه تروریسم»، ایالات متحده آمریکا را در بهانه تراشی برای حمله به هر کشور دلخواه با اتهام حامی تروریسم قادر می سازد.

همراه با این، وضعیت وخیم اقتصاد آمریکا، تروریسم بین المللی را به مکانیزم مؤثر ارباب جمعیت آمریکا و کاربست تدابیر پلیسی در آمریکا مبدل می سازد. دولت آمریکا از سال ۲۰۰۱ با توجیه تصمیمات خود تحت پوشش خطر عملیات تروریستی، عملا یکسری قوانین کاملا مخالف آزادیهای شهروندی در کشور را به تصویب رسانده است. قوانین «ضد تروریستی موجود» اجازه شنود گفتگوهای خصوصی و خواندن نامه ها، دستگیری «مشکوکان» و حتی منتقدان

سیاست دولت بدون اجازه دادگاه، تأسیس زندانهای میلیون نفری، مصادره دارائیهها و غیره را می دهد.

\*\*\*

موفقیت‌های سیاست خارجی روسیه در سال گذشته، تحقق پیشرونده همگرایی آوراسیا، بازگشت تدریجی روسیه به جایگاه قدرت جهانی بدان انجامید، که در واشنگتن، بار دیگر از ضرورت «مبارزه مشترک علیه تروریسم» دم زدند. بی تردید، این مبارزه بایستی در بیرحمانه ترین شکل آن انجام بگیرد، اما فقط نه بر اساس دستورالعمل آن دولت که تروریسم در سایه کمک‌های آن پرورش یافت. روسیه همراه با میلیون‌ها شهروند مسلمان خود قادر است مستقلاً راه مبارزه با تروریسم در پوشش اسلامی را تعیین نماید، و بظهور یک واقعیت ژئوپلیتیک جدید در آوراسیا کمک کند...